

# افغانستان در قرن ۱۹

(۷)

درین بین در سال ۱۸۴۲ ع (۱۲۴۹ هـ ق) به سردار دوست محمد خان اطلاع رسید که شاه شجاع باز به لشکر کشی پرداخته و میخواهد بر قندهار حمله کند. حقیقت اینست که شاه شجاع پس از آنکه در سال ۱۳۱۶ ع (۱۲۳۲ هـ ق) خود را به انگلیز تسلیم نمود و در سال ۱۳۱۸- (۱۲۳۴ هـ ق) بمشورۀ انگلیس از همکاری با برادران فتح خان انکار ورزید و به اقدامات مستقلانه در دیرینه جات وسند پرداخت و در سال ۱۸۲۰ ع (۱۲۳۶ هـ ق) از کامیابی خود بمقابل برادران فتح خان مایوس و دوباره به لودیانه مراجعت کرد. درین وقت به تشویق انگلیز که میخواست در هند شمالی نفوذ خود را قائم کند، با رنجیت سنگ و مهاراجه یقیاله داخل اقدامات جدید شده به سند رفت و از میران سند ۲۸ لک روپیه حاصل کرد و در شکار یور و سکر مشغول ترتیبات عسکری شد. رنجیت سنگ که میخواست بواسطه مشغول ساختن برادران قندهاری و حتی دوست محمد خان به جنگ شاه شجاع، کار پشاور را بکطرفه کند. به این لشکر کشی شاه شجاع امداد نمود معاهده که شاه شجاع را در صورت کامیابی متحد دائمی زمامدارانک میساخت و واگذاری پشاور و دیرینه جات را به رنجیت تصویب مینمود عقد نمود.

خبر تیاری های شاه شجاع که به قندهار رسید سردار کهندل خان برادر خود سردار مهردل خان را برای جلب امداد نزد سردار دوست محمد خان بسکابل اعزام داشت و دوست محمد خان معاونت خویش را وعده داد بشرطیکه سرداران قندهار و سرداران پشاور ضمانت کنند که در موقع عزیزیت او بمقابل شاه شجاع بر متصرفاتش حمله نکنند و برآی این مقصد سردار دوست محمد خان مجلسی را از برادران خویش در کابل دعوت کرد سردار سلطان محمد خان اگرچه تا ماماخیل خوبانی هم آمده و بانواب محمد زمان خان در بدل واگذاری بشیلاق معاهده امداد بمقابل حمله احتمالی سردار دوست محمد خان عقد نمود اما بسکابل حاضر نشده پسر خود نور محمد خان را برای شمولیت در کنفرانس اعزام داشت و نواب محمد زمان خان نیز شخصاً حاضر نشده پسر خویش شجاع الدوله را اعزام نمود و این مسئله سبب رنجش و بدگمانی سردار دوست محمد خان را فراهم کرده و نیز بهانه را برای اقدامات آینده برای او تهیه نمود. از طرف دیگر سردار دوست محمد خان برای اتمام حجت مکتوبی به (سرکلود وید) مامور سیاسی انگلیس در لودیانه فرستاد و نسبت به آوازه لشکر کشی شاه شجاع از او استفسار کرد و پرسید که آیا این اقدام بمشورۀ دولت برطانیه بعمل آمده است یا خیر. نماینده انگلیز در جواب نوشت (که هیچ صورت برطانیه باشاه شجاع برخلاف سرداران بارکزائی که دوست برطانیه میباشد کمک نخواهد کرد (۱)). از طرف دیگر

(۱) موهن لال، حیات امیر دوست محمد خان جلد اول صفحه ۱۵۷-۱۵۸. فیریه تاریخ افغانستان صفحه ۲۰۱ - ملیسون، کتاب قبل الذکر صفحه ۲۷۰. فیریه میگوید برطانیه میخواست که شاه افغانستان کاملاً زیر نفوذ او باشد اما مداخله علمی رانمی خواست از این رور رنجیت را پیش کرد تا شاه شجاع را کمک نماید (تاریخ افغانستان صفحه ۲۰۰).

دوست محمد خان مسکتوب دیگری بنام خود شاه شجاع نیز نوشت و با و خالصی ساخت که بزودی خودش برای فیصله بین او و برادران پشاور و قندهاری خود بطرف سند حرکت کرده و کار را فیصله خواهد نمود ( ۱ )

سردار دوست محمد خان پس از این اقدامات بفرستادن فیصله سکار جلال آباد افتاده همان بنامدن نواب محمد زمان خان را به مکنفرانس کابل بهانه افرار داد و بطرف جلال آباد به لشکر کشی شروع کرد و عسکری را که جهت عزیمت بقندهار برای مقابله بشاه شجاع ترتیب داده بود از قلعه قاضی که در راه قندهار است امر داد تا به سیاه سنگ در آنطرف کابل برآید جلال آباد نقل کنند - هر چند نواب جبار خان و امیر محمد خان و حاجی خان کاکر باوالحاج کردند . منصرف نشد زیرا دوست محمد خان همین موقع را برای صورت دادن این فکر یک فرصت طلائی میدانست چه برادران پشاور بمقابل رنجیت سنگ و برادران قندهار در برابر تهدید شاه شجاع واقع شده بودند و برای اقدام و ممانعت موقعی نداشتند . پیش از آنکه خود بطرف جلال آباد حرکت کنند ، اکرم خان و اکبر خان پسران خویش را برای جمع آوری پول و عسکر بنام جنگ بشاه شجاع به آنطرف اعزام نمود . اکبر خان بهرجا که میرسد میگفت که مقصد او جمع کردن پول و لشکر برای جنگ بشاه شجاع است و بنای تقسیم قوای محمد زمان خان را برآگشته میباشد و اسب ها و سامان جنگی شان را میگرفت و خود شان را مرخص مینمود . خود دوست محمد خان از تیزبین و خورد کابل بطرف جگدک پیشقدم می نمود . در اینجا محمد عثمان خان بن نواب عبدالصمد خان که از طرف محمد زمان خان حکومت بالا باغ را داشت به توصیه مادر خویش قبول اطاعت دوست محمد خان را نموده به پیش باز او برآمد ولی محمد زمان خان قلعه جلال آباد را محکم کرده ، از سعادت خان مہمند و دیگر سران قومی وهم از برادران پشاور خود امداد خواست و آنها مراد علی نام ملازم خود را فرستادند او را تشویق می نمودند که اسب و آری دادند و از امداد خویش مطمئن ساختند . و ضمناً نسیم بشلاق را که قبلاً وعده گرد ، بود مطایبه کردند دوست محمد خان از بالا باغ طرف جلال آباد آمد و کابل را کبر حان و محمد عثمان خان هم با او تکجا شدند و اول زیارت همه و پیه های سمت غربی معادن شهر را اشغال و هنگام شب بندر بعه سر ننگ بداخل شهر نقب زده ، باول رمضان ۱۲۴۸ هـ ق ( ۱۸۴۲ ع ) شهر را کشتودند . احمد خان سر عسکر دوست محمد خان با قوای خویش بصورت هجوم بداخل شهر شده محمد زمان خان دستگیر و بحضور دوست محمد خان آورده شد که با اختراع از او بذیرانی نمود و سالانه ۱۵۰ هزار روپیه جاگیر برای او تعیین کرد ولی حکومت جلال آباد را به امیر محمد خان برادر خود تفویض نمود . و از همین وقت محمد زمان خان با اینکه ثروت زیاد داشت در جمله مغالبن دوست محمد خان فرار گرفت . در همین بین که دوست محمد خان طرف جلال آباد توجه کرد سرداران پشاور نرسیدند که میا دا بعد از اشغال جلال آباد طرف پشاور روی آورد بنا بران ز رنجیت سنگ امداد خواستند و رنجیت که چنین چیزی را

( ۱ ) الاسبس ، عروج بلوکزانی این گفته دوست محمد خان را يك قسم تخویف

تعبیر میکنند نه غدر خواهی .

از خدای می خواست فوری هری سنک سرعسکر خویش را با فوای اعزام کرد که از آنک  
گذشت و چون سردار این خواست کرده بودند که صرف در صورت حمله دوست محمدخان  
عسکر سک بامداد او برسد در آن جا توقف نمود . اما رنجیت که نقشه خود را قبلاً ترتیب  
داده بود و همه این رویدادها از اعزام شاه شجاع تا مشغول ساختن برادران قند هاری همه  
به نظریه او برای چنین اقدامی صورت گرفته بود تا مل را جانی نماندسته صرف با مهارت  
سیاسی که داشت نخواست در اشغال پشاور از استعمال قوه کار بگیرد زیرا قطع نظر  
از تلفات ، دشمنی واستخوان شکنی با افغانها نیز آرزو نداشت پس از یکطرف در داخل  
پشاور مردم را بر خلاف سردار سلطان محمد خان تحریک کرد و خصوصاً که حاجی خان  
کاکر که از خدمت دوست محمد خان خارج و در پشاور به تنظیم عسکر پرداخته و عساکر  
سابقه دار را مرخص نموده بود زمینه را برای اقدامات رنجیت مساعدتر گردانیده بود - پس  
از آنکه از هر طرف اطمینان حاصل کرد و در داخل پشاور نیز گماشته گان او شروع  
بکار کردند ، یک روز هری سنک از سرداران خواست کرد که نتوسک نواسه رنجیت  
سنک میخواهد شهر پشاور را تماشای کند - شفا شهر را فارغ بسازید و بهتر است خود شما  
هم به شهر نیاشید تا همه جاها مخصوصاً بالا حصارشاهی را ملاحظه کند و عساکر نیز مرخص  
شوند . افسوس که سرداران این چال رنجیت سنک را ملتفت نشدند با همان صفای باطن  
که داشتند تماشا گفته دشمن مجبل را بجیت یک خواست دوستانه تلقی وبدون کم و کاست  
اجراء کردند و حتی به عساکر خود گفتند که اگر فتنه ها خارج شوند نتیجه این شد که سک  
ها تمام پشاور را با بالا حصار آن اشغال نمودند و عساکر شان نیز از عقب رسیده شهر را متصرف  
شدند و عناصر مخالف نیز با ایشان پیوستند سرداران که کار را از کار گذشته و وضعیت  
را خطرناک دیدند بطرف کابل گریختند و در کابل کوه غلیس جانان و شجاع را فرستادند و این صورت پشاور بدون هیچیک  
مقاومتی بدست سک ها افتاد ( ۱۸۳۲ ع ۱۲۵۵ ه ق ) . و اگر چنانچه سرداران به گفتار  
رنجیت اعتماد نمیکردند و فریب واضح او را ملتفت میشدند مشکل بود که هزار عسکری  
که هری سک با خود داشت میتوانستند پشاور را متصرف شوند .

و این همان موقعی بود که دوست محمدخان از الحاق جلال آباد فارغ گشته متوجه قندهار  
شد تا با شاه شجاع که مدتی قندهار را به محاصره گرفته بود مقابله کند دوست محمد خان در  
وقتی به امداد سرداران قندهار رسید که پس از ۵۳ روز محاصره حالت شان خطرناک بود  
و شاه شجاع با ۲۲ هزار عسکر تعلیم یافته تحت قیادت جنرال های انگلیسی و هندی و سمندر  
خان افغان خود را نزدیک به فتح میرید . دوست محمد خان که در اواخر ۱۲۰۰ ه ق  
( ۱۸۳۲ ع ) بقندهار واصل شد . از سمت غرب راه را روی برادران محصور خویش باز کرد  
و جنگ میدان شروع شد . ابتداء سرداران عقب نشستند و به شهر داخل شدند اما درین وقت  
دوست محمد خان به فرزند رشید خود اکبرخان امر داد تا حمله متقابله بکنند و او چنان کرد  
و عساکر شاه شجاع تاب نیاورده نزدیک بود خود شاه شجاع نیز دستگیر شود و جنرال کمیل انگلیسی

که در خدمت شاه شجاع بود مجروح و اسیر گشت (۱) و شکست عمومی در عساکر شاه شجاع افتاد برادران قندهاری طرفدار بودند که شاه شجاع باید تعقیب شود اما دوست محمد خان عقیده داشت که تعقیب او بی فائده است و دیگر نمیتواند قوای خود را تنظیم نماید و اصرار میورزید که اگر شهزاده محمد اکبر خواهر زاده او ( پسر شاه شجاع ) اسیر گرفته شود ، کفایت و شاه شجاع را از اقدامات آینده منع خواهد شد - بنا بران سرداران قندهار هم از تعقیب شاه شجاع و قتیبه که از رود هلمند گذشت و طرف لاش و جوین متوجه و عساکر او تماماً پراکنده شدند صرف نظر کردند (۲) اما سرداران قندهار بمقابل دوست محمد خان که سبب فتح ایشان شده بود وضعیت خوبی نکردند چون از او خوف داشتند خصوصاً که عسکر کافی نیز همراه داشت ، پس داخل شدن او را در شهر مصلحت ندانستند و دوست محمد خان از این وضع ایشان که حتی از غنائم جنگ نیز حصه او را جدا نکردند ، سخت متأثر شد و میخواست اقداماتی را شروع کند اما خبر مریضی امیر محمد خان برادرش و بدامنی در کوهستان و رسیدن سرداران پشاور به جلال آباد او را از این افکار باز داشته مجبور ساخت که علی العجاله بطرف کابل حرکت کند . با هم در راه با سران غلزان ملاقات کرده ، از مردم توخی برای نشیء روابط خویش زن گرفت و بکابل رسید امیر محمد خان در بستر مراگ افتاده و صرف بمینقدر توانست که وصایای خویش را به برادر بزرگ خود باز گوید و فوت شد و در مزار عاشقان عارفان علیه الرحمه دفن گشت ( ۱۲۵۰ هـ ق - ۱۸۳۳ ع ) .

طوریکه ذکر شد در غاب دوست محمد خان که امیر محمد خان حکمران جلال آباد نیز برای نیابت به کابل آمده بود به سردار سلطان محمد خان که از پشاور خارج گردیده بود به جلال آباد آمده او را آن جا را بکف خود گرفت و زمانیکه از مراجعت دوست محمد خان شنید بکابل حاضر شد و تافعه فاضلی از او استعجاب نمود . دوست محمد خان هم با او اظهار همراهمی نموده و عده داد که بزود ترین فرصت بوائی جمع آوری کرده ، پشاور را مسترد خواهد نمود و باو تفویض خواهد کرد (۳) <sup>فاسم ریشیا</sup> که در کابل اقامت اختیار کند. ( باقی در آینده )

### رتال جامع علوم انسانی

(۱) این شخص مسلمان شده بنام جنرال شیر احمد خان مدتها در خدمت امیر دوست محمد خان و امیر شیرعلیخان و امیر عبدالرحمن خان باقی مانده و در تنظیم عسکر افغان سهم بزرگی گرفت و امیر عبدالرحمن خان نیز فن حرب را از او یاد گرفته بود .

(۲) شاه شجاع پس از مدتی اقامت در فرامه برای بلوچستان به هند برگشت اینکه جنرال موصوف بدست وزیر کبرخان اسیر شده یا بدست محمد افضل خان و یا میر افضل خان بن بردل خان مختلف که قید است اما شك نیست که هر سه سردار موصوف درین محاربه شرکت داشته و داد شجاعت داده بودند .

(۳) سراج التواریخ آمدن سردار سلطان محمد خان را بکابل بعد از فتح وزیر کبرخان بمقابل سک ها میداند حقیقت نیست که بار اول مقارن سقوط پشاور و مریضی امیر محمد خان آمده و سپس حین لشکر کشی اول دوست محمد خان بطرف پشاور برای جمع آوری بطرف باجور رفته و پس از مراجعت قوای افغانی بار دیگر بکابل آمده بود که سراج التواریخ آمدن او لش را ذکر نمیکنند .